



مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور



عصر وب و تأثیر آن بر تحول مفهوم قدرت

گروه مطالعات تحلیل مسائل روز

بهمن ۱۴۰۱

شماره ۱۸

گزارش نظری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور



نویسنده: سمیه خداخواه آذر

تهیه شده در: گروه مطالعات تحلیل مسائل روز

تاریخ انتشار: بهمن ۱۴۰۱

گزارش نظری

عصر وب و تأثیر آن بر تحول مفهوم قدرت



در این گزارش می‌خوانید

۱ قدرت بر ساخته‌ای اجتماعی است و از این رو، با تغییر بستر اجتماعی، برداشت از آن و شکل آن نیز تغییر می‌کند.

۲ قدرت امروزه صرفاً بر مبنای عوامل مادی تعریف نمی‌شود، بلکه بر عوامل غیر مادی مثل هنجارها، گفتمان‌ها، دانش و اطلاعات نیز متکی است.

۳ در عصر اطلاعات، کنشگرانی که بر اطلاعات سوار باشند و بتوانند آن را به کنش تبدیل کنند، پیروز میدان‌ها خواهند بود.



مرکز مطالعات راهبردی و آموزش وزارت کشور



چکیده

تحول در ارتباطات و رسانه‌های نوین و افزایش اطلاعات موجب تحول در همه حوزه‌های زندگی بشری شده است. انقلاب اطلاعاتی حاضر، که گاه آن را «انقلاب صنعتی سوم» می‌نامند، فاصله‌ها را از میان برداشته است، اطلاعات، فشرده‌گی زمان، مکان و فضا را به ارمغان آورده است. این دگرگونی ساختاری، تغییرات عمده‌ای نیز در فرآیندهای تصمیم‌گیری و از جمله کنترل فرآیند سیاسی و چگونگی اعمال قدرت سیاسی پدید آورده است. خاصیت این فضا کم رنگ ساختن تمایزات میان بازیگران این عرصه است. معضل حکومت‌ها در عصر کنونی اطلاعات کثرت رویدادهایی است که حتی قدرتمندترین آنها اشرافی بر همه جنبه‌های آن ندارند. بنابراین با لحاظ نقش رایانه‌ها و فناوری‌های اینترنت پایه در کاستن از هزینه‌ها، دولت‌ها بیش از تمرکز زایی به تمرکز زدایی راه برده‌اند. امروزه و با تحولات جدید «قدرت» دیگر صرفاً بر مبنای سرزمین و عوامل مادی تعریف نمی‌شود، بلکه بر عوامل غیر مادی مثل هنجارها، گفتمان‌ها، دانش و اطلاعات نیز متکی است. فضای مجازی مؤلفه‌ها و عناصر جدیدی را وارد عرصه حکمرانی کرده است که موجب شده است که عناصر سازنده قدرت دستخوش تغییر شود و حتی تولید محتوا و خدمت در این دوره تحت تأثیر آن قرار بگیرند. دولت‌ها در مقابله با این فناوری جدید و برای حفظ استقلال خود با چالش از دست دادن قدرت روبه‌رو شده‌اند. هدف اصلی این گزارش آن است که این تحول مفهومی قدرت را بررسی کند. اگر امروز به منابع تولید قدرت در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نگاهی بیاندازیم، خواهیم دید که در عصر اطلاعات، دولت‌ها و بازیگران غیردولتی که بر اطلاعات سوار باشند و بتوانند آن را به کنش تبدیل کنند، پیروز میدان‌ها خواهند بود.



فهرست

- ۱..... مقدمه
- ۲..... پیشینه علمی
- ۴..... چارچوب مفهومی
- ۵..... فناوری‌های نوین اطلاعاتی؛ اینترنت و نسل‌های مختلف وب
- ۶..... سیر تکاملی اینترنت
- ۶..... نسل‌های مختلف وب
- ۱۰..... نسل‌های مختلف وب و تحول مفهوم قدرت
- ۱۲..... چالش نسل‌های مختلف وب بر مفهوم سنتی قدرت
- ۱۳..... تحول مفهوم قدرت در عصر وب
- ۱۵..... قدرت سخت و قدرت نرم، معطوف به قدرت مجازی
- ۱۷..... قدرت در جامعه شبکه‌ای
- ۱۹..... تمرکززدایی از قدرت و اهمیت یافتن وجوه گفتمانی قدرت
- ۲۰..... اهمیت یافتن پاد قدرت
- ۲۲..... جمع‌بندی و ارائه یافته‌های پژوهش
- ۲۴..... یافته‌های پژوهش؛ اعمال قدرت مبتنی بر مؤلفه‌های جدید قدرت
- ۲۶..... یادداشت‌ها و منابع



مقدمه

فناوری، جهان زیستی است که انسان زندگی و نحوه سلوک جدید را خلق می‌کند (هابرماس، ۱۳۸۵). تحول در ارتباطات و رسانه‌های نوین و افزایش اطلاعات موجب تحول در همه حوزه‌های زندگی بشری گردیده است. انقلاب اطلاعاتی حاضر، که گاه آن را «انقلاب صنعتی سوم» می‌نامند (نای، ۱۳۹۲: ۱۵۹)، فاصله‌ها را از میان برداشته است، اطلاعات، فشرده‌گی زمان، مکان و فضا را برایمان به ارمغان آورده است. این دگرگونی ساختاری، تغییرات عمده‌ای نیز در فرآیندهای تصمیم‌گیری و از جمله کنترل فرآیند سیاسی و چگونگی اعمال قدرت سیاسی پدید آورده است. زیرا مفهوم «عصر اطلاعات»^۱ هیچ‌گاه یک مسئله صرف فناورانه نبوده و مقوله‌ای مربوط به گذار اجتماعی است. فرآیندی از تغییر اجتماعی در جریان است که در آن، فناوری عنصری است که نمی‌توان آن را از روندهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جدا کرد (Bell, 2007: 59). در سال‌های اخیر پدیده اینترنت، سردمدار پیوندهای بی حد و مرز بوده است. نسل‌های جدید وب و رسانه‌های اجتماعی مجازی مبتنی بر آن تحول عظیمی را در حوزه‌های مختلف از جمله سیاست، قدرت و حکمرانی ایجاد کرده است. از سال ۲۰۰۴، نسل جدیدی از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی که گونه‌ای از وب ۲ محسوب می‌شوند، پدیدار شده و به سرعت رشد کرده‌اند. کاربران دریافته‌اند که ارتباطات به‌طور کامل وارد عصر جدیدی در حوزه اینترنت شده است.

گسترش اطلاعات که توسط فناوری‌های نوین اطلاعاتی و اینترنت پایه تسهیل شده است، مترادف توزیع گسترده‌تر قدرت و فرو ریختن انحصار دیوان سالاری سنتی توسط شبکه‌های غیر رسمی است. دامنه مجازی سپهری است دستاورد بشر که هم تازه است و هم سیال. خاصیت این فضا کم رنگ ساختن تمایزات میان بازیگران این عرصه است. معضل حکومت‌ها در عصر کنونی اطلاعات کثرت رویدادهایی است که حتی قدرتمندترین آنها اشرافی بر آن ندارند. بنابراین با لحاظ نقش رایانه‌ها و فناوری‌های اینترنت پایه در کاستن از هزینه‌ها، دولت‌ها بیش از تمرکز زایی به تمرکز زدایی راه برده‌اند. پراکندگی قدرت مهار اطلاعات، امروزه بسیار بیش‌تر از چند دهه پیش است. پیامد آن نیز هر چه سریع‌تر بودن، فزاینده‌تر رفتن، و نیاز به واسطه‌هایی هر چه کمتر است (Norris, 2001: 232).

قدرت از زمان از آغاز زندگی مدنی بشر اهمیت زیادی داشته است. در عین حال به رغم تاریخ طولانی تحلیل مفهوم «قدرت»، شاهد فقدان اجماع پژوهشگران در خصوص طبیعت و نقش آن در روابط سیاسی و اجتماعی هستیم. قدرت همواره به شرایط وابسته است. مفهوم قدرت یک موضوع بسیار منازعه آمیز است. به تعبیر

^۱ . Information Age



دبلیوگالی «قدرت مفهومی مورد منازعه است. قدرت در شکل‌های مختلفی اعمال می‌شود و جلوه‌های متنوعی دارد. بنابراین، تعریف و درک یکسانی از آن وجود ندارد.» (Barnett and Duvall, 2005).

همچنین قدرت بر ساخته‌ای اجتماعی است و از این رو، با تغییر بستر اجتماعی، برداشت از آن و شکل آن نیز تغییر می‌کند (Barnett and Duvall, 2005). امروزه و با تحولات جدید این واژه دیگر صرفاً بر مبنای سرزمین و عوامل مادی تعریف نمی‌شود، بلکه بر عوامل غیر مادی مثل هنجارها، گفتمان‌ها، دانش و اطلاعات نیز متکی است. با تغییر عرصه جهان در نتیجه توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی چون نسل‌های مختلف اینترنت، اشکال، ابعاد، دامنه و مکانیسم‌های اعمال قدرت در عرصه سیاست و حکمرانی بسیار متنوع و پیچیده‌تر شده است. توسعه فناوری‌های مذکور، از یک سو موجب تقویت جامعه جهانی و اهمیت افکار عمومی و در نتیجه کاهش مطلوبیت قدرت سخت و کاربرد نیروی نظامی شده و از سوی دیگر، باعث پیچیدگی و چند بعدی شدن قدرت شده است. در قرن بیستم، بیشتر تحت تأثیر جنگ‌های جهانی و جنگ سرد، درک محدود و سنتی از قدرت وجود داشت و بر قدرت اجباری که متکی بر منابع مادی و قدرت نظامی بود، تأکید می‌شد. شکل‌گیری و انسجام بیشتر جامعه جهانی، اهمیت افکار عمومی، تعدد بازیگران بین‌المللی و تکثر در تدبیر امور جهانی، منجر به کاهش مشروعیت و مطلوبیت کاربرد استفاده از قدرت اجباری و مادی شده است.

اما با انقلاب فناورانه اخیر چالش‌های راهبردی برای دولت‌ها ایجاد شده است. فضای مجازی مؤلفه‌ها و عناصر جدیدی را وارد عرصه حکمرانی کرده است که موجب شده است که عناصر سازنده قدرت دستخوش تغییر شود و حتی تولید محتوا و خدمت در این دوره تحت تأثیر آن قرار بگیرند. دولت‌ها در مقابله با این فناوری جدید و برای حفظ استقلال خود با چالش از دست دادن قدرت روبه‌رو شده‌اند. در جهان کنونی «شبکه‌ها و ارتباطات به منبع مهم قدرت مبدل شده‌اند. با توجه به مباحث مطرح شده این گزارش در پی بررسی تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی چون نسل‌های مختلف وب و رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر آن بر تحول «مفهوم قدرت» است. هدف اصلی این گزارش آن است که این تحول مفهومی قدرت را بررسی کند. بر این مبنای پژوهش حاضر بر آن است تا به این پرسش بپردازد که چگونه اینترنت و نسل‌های مختلف وب موجب تحول مفهوم قدرت در عرصه قدرت و حکمرانی شده‌اند؟

پیشینه علمی

با افزایش ضریب نفوذ اینترنت به زیست جهان انسان‌ها مطالعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی فراوانی پیرامون آن شکل گرفته است. این مطالعات از منظری سرگرم کننده و تفریحی تا سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. گاه مطالعات صورت گرفته، این فضا را محل نظم و هویت موجود می‌پندارند و گاه از کارکردها و توانایی‌های



آن در ایجاد یک دولت الکترونیک کارآمد سخن به میان می‌آورند. برخی مطالعات از ایزوله شدن فرد در این فضا می‌گویند و برخی ظهور یک دهکده‌ی جهانی نوین و الگوی تازه‌ی توسعه یافتگی را نوید می‌دهند. برخی از آثار مهم پیرامون رابطه‌ی اینترنت و سیاست را می‌توان به شرح زیر بررسی کرد.

از آثار مهم این حوزه می‌توان به کتاب «قدرت نرم» نوشته‌ی جوزف نای^۱ اشاره نمود که کتابی مرجع در حوزه‌ی قدرت شناسی به شمار می‌رود. نای از تغییرات علمی و فناوریانه، تکنولوژی‌های ارتباطی مدرن و تغییرات اجتماعی در دموکراسی‌های بزرگ به عنوان عوامل تأثیر گذار بر نقش قدرت نظامی یاد کرده و تأثیر عوامل فوق بر مباحث مربوط به تروریسم را بررسی می‌کند. او همچنین در کتاب دیگرش با نام «آینده قدرت»، از قدرت برای قرن بیست یکم سخن می‌گوید. نای در این کتاب استدلال می‌کند قرن حاضر شاهد دو جابه‌جایی بزرگ در قدرت بوده است: جابه‌جایی قدرت میان کشورها و پراکندگی قدرت کشورها میان بازیگرانی سواى کشورها و حکومت‌ها. او در این کتاب به آثار سیاسی تحولات فناوری می‌پردازد. او بیان می‌کند که امروزه چگونگی توزیع قدرت چندان روشن نیست و مبهم‌تر از آن نحوه اتخاذ راهبردهایی موفق برای ماندگاری در جهان نوپدید است. در واقع او مطرح می‌کند که با همه پیش بینی‌های رایج بر سر پیشی گرفتن چین، هند یا برزیل از امریکا در دهه‌های آتی، تهدید عمده علیه این کشور نیز چه بسا از سوی بربرهای مدرن باشد و بازیگرانی سواى دولت‌ها (نای، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

دابیو لنس بنت و رابرت ام. انتمن^۲ در کتاب «سیاست رسانه‌ای شده، ارتباطات در آینده دموکراسی» با پرداختن به وجوه مختلف حضور و تأثیر رسانه بر گستره سیاست معاصر، به کالبد شکافی نسبت سیاست و رسانه در زندگی انسانی می‌پردازد. نویسندگان با برجسته ساختن برخی رخدادهای مهم سیاسی در دهه گذشته و واکاوی آن‌ها در پرتو مقولاتی چون حوزه عمومی و دموکراسی، این نسبت و عمق تأثیرگذاری رسانه بر فرآیندهای سیاسی و جهت گیری افکار عمومی را به نحو شگفت آوری تبیین نموده‌اند (بنت و انتمن، ۱۳۸۹).

جیمز روزنا^۳ و دیگر نویسندگان در کتاب «انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید» به ملاحظات امنیتی و تجزیه و تحلیل فرصت‌ها و تهدیدهای این وضعیت نو پرداخته‌اند. ارتباط انقلاب و فناوری اطلاعات با امنیت روابط بین‌الملل، امنیت غرب آسیا، حاکمیت دولت‌ها، امور نظامی و سازماندهی تولید و توسعه‌ی اقتصادی، محورهای اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهند (روزنا و دیگران، ۱۳۹۰).

^۱ Joseph Nye

^۲ Robert M. Entman & W. Lance. Bennett

^۳ James Rosenau



همچنین کتاب «قدرت ارتباطات» مانوئل کاستلز^۱ از دیگر آثار مهم در این حوزه است. این کتاب را می‌توان جایگزین جلد دوم کتاب سه‌جلدی «عصر اطلاعات» دانست. در سه دهه اخیر، مانوئل کاستلز مطالعات گسترده‌ای در زمینه ارتباطات داشته و نظریه‌های مشخصی در فضای اطلاعات و ارتباطات ارائه کرده است. مفاهیمی چون فضای جریان‌ها، هویت شبکه‌ای، جامعه شبکه‌ای و... اما در این کتاب به‌طور ویژه به مضمون «قدرت» و طبیعت ساختار قدرت در محیط ارتباطی جدید می‌پردازد. کاستلز در این کتاب بر نقش شبکه‌های ارتباطی در ساخت قدرت در جامعه تأکید می‌کند و آن را پررنگ‌تر از نقش سیاست در ساخت قدرت می‌داند (کاستلز، ۱۳۹۳).

از کتب دیگری که می‌توان در این تقسیم‌بندی قرار داد می‌توان به «ارتباطات و سلطه فرهنگی» نوشته هربرت شیلر^۲ (۱۳۹۲)، «گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات» ویراسته دیوید س. آلبرتس و دانیل س. پاپ^۳ (۱۳۸۵)، رساله دکتری «سیاست و مصرف رسانه‌های اجتماعی مجازی در ایران؛ چالش‌ها، الگوها و تبیین یک مدل پیشنهادی» نوشته حسین بصیریان جهرمی (۱۳۹۳) و مقاله «دگرگونی مفهوم قدرت در پرتو فناوری نوین اطلاعاتی- ارتباطی» نوشته احمد سلطانی نژاد و دیگران (۱۳۹۵) اشاره نمود.

چارچوب مفهومی

از آنجا که این گزارش در پی بررسی تحول مفهومی قدرت است، از این رو چارچوب مفهومی برای آن ضرورت می‌یابد. با توجه به عنوان پژوهش در این بخش ما با دو مفهوم اصلی سروکار داریم که شامل «وب» و «قدرت» می‌شود که در ادامه به این دو مفهوم پرداخته می‌شود.

در تعریف مفاهیم کارل پوپر^۴ معتقد است که ما نمی‌توانیم تعریفی ماهیت‌شناسانه (تعریف براساس چیستی اشیاء) از پدیده‌های اجتماعی داشته باشیم چون بر سر ماهیت امکان تفاهم نیست و این روش تا کنون نتیجه‌ای در بر نداشته است و بحث‌های انجام شده به تعاریف مسلم و واضحی مثلاً از قدرت، دموکراسی و امثالهم نینجامیده است (نبوی، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۵). این مبحث در مورد مفهوم قدرت نیز صدق می‌کند. مفهوم قدرت یک موضوع بسیار منازعه‌آمیز است. به تعبیر دبلیوگالی «قدرت مفهومی مورد منازعه است. قدرت در شکل‌های مختلفی اعمال می‌شود و جلوه‌های متنوعی دارد. بنابراین، تعریف و درک یکسانی از آن وجود ندارد.» (Barnett and Duvall, 2005). پژوهشگران سیاسی، بسته به ایدئولوژی و جهان‌بینی خود، تعریف‌های

^۱ Manuel Castells

^۲ Herbert Schiller

^۳ David Stephen Allberts & Daniel S Papp

^۴ Karl Popper



گونناگونی از قدرت به دست داده‌اند. در تعبیر مورگنتا منظور از قدرت سیاسی اشاره به وجود کنترل در روابط متقابل دارندگان اقتدار عمومی و میان اقتدار عمومی و عامه مردم است و در تعریفی دیگر «توانایی انسان بر ذهن‌ها و اعمال دیگران، قدرت است» (عالم، ۱۳۸۰: ۸۹).

از نظر رابرت دال، قدرت عبارت است از اینکه بازیگر «الف» باعث شود که بازیگر «ب» کاری انجام دهد که در غیر این صورت انجام نمی‌داد (Baldwin, 2003). به نظر مانوئل کاستلز «قدرت، ظرفیتی رابطه‌ای است که یک کنشگر اجتماعی را قادر می‌سازد تا به گونه‌ای ناهم‌سنگ^۱ و از راه‌هایی که خواسته‌ها، منافع و ارزش‌های کنشگران صاحب قدرت را برآورده سازد، بر تصمیمات سایر بازیگران یا کنشگران اجتماعی تأثیر گذارد» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۵۳). امروزه این متغیر مهم تحت تاثیر عوامل مختلف بخصوص فناوری‌های نوین اطلاعاتی و فضای مجازی با تحولاتی روبه‌رو شده است.

از بُعد تحول و دگرگونی می‌توان استدلال کرد که از میان همه انقلاب‌های که در قرن بیستم رخ داده است، هیچ یک در تاریخ بشری تأثیری به ماندگاری انقلاب جاری در فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات نداشته است. این تأثیرات به صورت همه جانبه وارد زندگی انسان‌ها شد و در واقع انقلاب اطلاعاتی و ارتباطاتی، سبب بروز تحولی عمده در مفاهیم مختلف از جمله مفهوم قدرت گردیده است. با توجه به تأثیر عصر وب بر تحول مفهوم قدرت در عرصه سیاست، حکمرانی و روابط بین‌الملل، در ادامه به مفهوم اینترنت و نسل‌های مختلف وب نیز پرداخته می‌شود.

فناوری‌های نوین اطلاعاتی؛ اینترنت و نسل‌های مختلف وب

مفهوم فناوری قدمت بسیاری دارد. تکنیک، عرصه عملی، فنی و توانایی دم دست بشر متفاوت از عقلانیت نظری است (خالقی، ۱۳۸۲: ۲۱۸). این عقلانیت در قالب ساختن چیزها به منظور به‌کارگیری و با نگاه فایده‌گرایانه و ابزاری، همواره زندگی روزمره‌ی انسان‌ها را سامان داده است (بل، ۱۳۸۲: ۱۴). فناوری به عنوان دانش این تکنیک به بررسی این حوزه از توانایی آدمی می‌پردازد. فناوری در جامعه پیشا صنعتی در قالب ابزارهای ساده‌ی دستی، اهرم‌ها، چرخ‌ها و امثالهم نمود پیدا کرد. اختراعات و اکتشافات دوره‌ی مدرن در قالب فناوری بخار و برق نیرو را از عضلات آدمی به درون خود ماشین و ابزار انتقال داد. فناوری مدام پیشرفت کرد تا جایی که انسان‌ها در انتهای قرن بیستم با استفاده از سامانه‌های مخابراتی و الکترونیکی وارد عصر اطلاعات و پیدایش فناوری اطلاعات شدند. فناوری اطلاعات خود را به صورت فضای مجازی در قالب ماهواره، رایانه و رسانه‌های دانش محور رمزی و نمادین دیجیتالی نشان داد (بل، ۱۳۸۵: ۴۴۷). فناوری اطلاعات با وارد شدن کامپیوتر،

^۱ . Asymmetrically



انقلاب جهانی ارتباطات و پیدایش و گسترش بی سابقه اینترنت در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. فناوری اطلاعات با امکانات مدام در حال پیشرفت خود، جهان دورافتاده، نا آگاه و مرزدار انسان‌ها در تمام کره‌ی زمین را تبدیل به دهکده‌ای جهانی نمود (روزنا، ۱۳۸۳: ۴۴۱). در ادامه این تحولات و گسترش اینترنت در سطح جهان، نسل جدیدی از وب پدید آمد که هر نسخه آن، جذاب‌تر، آسان‌تر و کاربردی‌تر از نسل‌های پیشین خود بود.

سیر تکاملی اینترنت

شبکه جهانی وب برای اولین بار در سال ۱۹۹۳ به صورت آنلاین ایجاد شد. نسل اول وب که وب ۱ نامیده می‌شد شامل صفحات استاتیکی بود که در آن کاربران صرفاً دریافت کننده اطلاعات بودند. با گسترش فناوری وب ۲ امکان ایجاد تعامل بین کاربر و فضای وب ایجاد شد که همچنین امکان تولید محتوا توسط کاربر را ایجاد می‌کرد. مشکل اصلی در وب ۲ مدیریت متمرکز وب توسط غول‌های فناوری بود، وب ۳ با هدف تمرکززدایی ایجاد شد. در حالی که وب ۳ در حال توسعه در کنار وب ۴ است، خبرهایی مبنی بر ایجاد وب ۵ راه است (Bybit Learn, 2022).

نسل‌های مختلف وب

نسل اول وب (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰)

اصطلاح «وب ۱» اشاره به اینترنت در قرن گذشته دارد که کاربران نقشی کم‌رنگ در دنیای مجازی داشتند و استفاده از وبسایت‌های اینترنتی اغلب فرآیند ارتباطی یک سوپه از جانب رسانه به مخاطب بود. این نسل شامل صفحات استاتیکی بود که در آن کاربران صرفاً دریافت کننده اطلاعات بودند (موسوی شفائی و خداخواه، ۱۳۹۸).

نسل دوم وب (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰)؛ رسانه‌های اجتماعی

وب ۲ اشاره به تغییر گرایش در استفاده از فناوری شبکه جهانی وب و طراحی وب به سوی افزایش خلاقیت، ارتباطات، تبادل امن اطلاعات بین کاربران و شبکه دارد. شماری از خدمات و کاربردهای مبتنی بر وب وجود دارند که نشانگر بنیان مفهوم وب ۲ هستند. این موارد فناوری نیستند، بلکه خدمات (یا فرایندهای کاربر) هستند که با استفاده از فناوری‌ها و استانداردهایی ساخته می‌شوند، که از اینترنت بهره می‌گیرند. بسیاری از این کاربردهای فناوری وب تا حد زیادی جا افتاده‌اند و سال‌های زیادی است، که از آنها استفاده می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به وبلاگ‌ها، ویکی‌ها، فیدهای آراس‌اس، خدمات اشتراک چندرسانه‌ای، انتشار همزمان



محتوایی، پخش پادکست و خدمات برچسب‌زنی محتوا و در نهایت شبکه‌های اجتماعی مجازی اشاره کرد (بصیریان، ۱۳۹۳).

رسانه‌های اجتماعی نیز به معنی به کار بردن اینترنت بر اساس فناوری و مفاهیم وب ۲ است. رسانه‌های اجتماعی اصطلاحی است که اد بارت^۱ استاد دانشگاه ام آی تی در اوایل دهه ۱۹۹۰ مطرح کرد و اشاره به نوعی از رسانه‌های اجتماعی و دانش دارد که از تعامل‌های مبتنی بر رایانه ناشی می‌شود. تعاریف موجود از رسانه اجتماعی بسیار متنوع است: اغلب این تعاریف، بر دو عنصر «اشتراک گذاری» و «تعامل» تأکید دارند. آندریس کاپلان^۲ و مایکل هیلین^۳ رسانه اجتماعی را به مثابه «یک دسته ابزارهای اینترنتی که بر بنیان ایدئولوژیکی و فناوری وب ۲ استوار هستند و به کاربران امکان تولید محتوا و مبادله آن را می‌دهند» تعریف می‌کنند (Kaplan and Haenlein, 2010).

نسل سوم وب

بعد از ۲۰۱۰، وب ۳ در برخی از کشور گسترش یافت و در بین آنها فعالیت‌های جدیدی در این حوزه متداول شده است. این نوع جدید از وب، وب هوشمند یا وب مفهومی نیز خوانده می‌شود. در وب ۳ تعامل دو سویه بین کاربران و خود وب مورد توجه قرار گرفته است و از وب هوشمند انتظار می‌رود که منظور و مقصود کاربران را درک کرده و او را در راه رسیدن به هدف خود همراهی کند. وب ۳ نسل پیشرفته فناوری اطلاعات برای وبسایت‌ها و تلفن‌های هوشمند است که بر ارائه یک شبکه وب مبتنی بر داده و تعاملی از طریق پردازش ماشینی اطلاعات تمرکز دارد. هدف نهایی وب ۳ ایجاد وبسایت‌های هوشمندتر، به هم متصل و در دسترس‌تر است. در یک کلام وب ۲ از اینترنت برای برقراری ارتباط میان انسان‌ها استفاده می‌کرد ولی وب ۳ از اینترنت برای برقراری ارتباط میان اطلاعات با اطلاعات به کار خواهد رفت.

نسل چهارم وب

نسل وب ۴، تقریباً بین بازه ۲۰۲۰ الی ۲۰۳۰ میلادی شکل خواهد گرفت. به وب ۴، وب هوشمند^۴ یا فرا وب^۵ نیز گفته می‌شود. در این نسل، شبکه‌های دانش به صورت نظام‌مند در بستر اینترنت مستقر خواهند شد و این امر موجب ارتباط و تعامل هوش‌ها با همدیگر و جایگزین شدن مفهوم مدیریت هوش به جای مدیریت دانش خواهد شد. در وب ۴، وبلاگ‌های معنایی، تفکر مصنوعی، جوامع نامتمرکز، فضای بازار هوشمند و ذهن‌های بنگاهی ظهور خواهند کرد. همچنین در این نسل، تحویل خدمات الکترونیکی به صورت پیش‌کنشانه رونق قابل توجهی خواهند گرفت. در این نسل، برای انجام امورات مختلف، عامل‌های نرم افزاری هوشمند حضور

^۱ Ed Barrett

^۲ Andres Kaplan

^۳ Michael Heanlein

^۴ Smart Web

^۵ Meta Web



گسترده خواهند داشت و همواره تلاش می‌شود تا از طریق بهره‌برداری هر چه بیشتر از دانش‌های فردی و سازمانی ارزش‌های افزوده بیشتری تولید و استفاده شوند. هدف این وب همزیستی بین انسان و رایانه با یکدیگر است.

نسل پنجم وب

وب ۵ یک پلتفرم وب غیرمتمرکز است که به توسعه‌دهندگان امکان ایجاد برنامه‌های وب غیرمتمرکز را می‌دهد. این وب بسیار قدرتمند خواهد بود و کاملاً بر روی تعامل (عاطفی) بین انسان و رایانه اجرا می‌شود. تعامل بر اساس فناوری عصبی برای بسیاری از افراد به یک عادت روزانه تبدیل خواهد شد. در اینجا لازم به ذکر است که علیرغم سرمایه داری نظارتی، در حال حاضر وب ۲ «از نظر احساسی» خنثی است، به این معنی که احساسات و عواطف کاربران را درک نمی‌کند. هدف وب ۵ این است که کاربران بتوانند مالکیت داده‌های خود را به عهده بگیرند و درآمدهای ناشی از تولید محتوا توسط کاربران به خود آن‌ها تعلق بگیرد. توقعی که وب ۵ ایجاد کرده این است که احساسات افراد را به شکلی واقعی درک کند. برای مثال زمانی که کاربر به یک موسیقی به شکل آنلاین گوش می‌کند، از طریق حالت چهره فرد قادر به تشخیص این موضوع باشد که کاربر به چه میزان از گوش دادن به موسیقی لذت می‌برد.



جدول ۱. تفاوت‌های انواع وب (اقتباس از: Getting, 2007 ;O'Reilly, 2007; Ray, 2010; Almeida, 2017; Bybit Learn, 2022)

وب ۱	وب ۲	وب ۳	وب ۴	وب ۵
انتشار	مشارکت	هوشمندسازی و معنابخشی	وب یادگیرنده	تمرکز بر یادگیری ماشینی و هوش مصنوعی
مدیریت محتوا	ویکی‌ها	ساختاردهی و معناسازی	گسترش استفاده از واقعیت مجازی ^۱ و واقعیت افزوده ^۲	سرویس هویت خودمختار
سیستم‌های رده بندی ^۳	برچسب‌زنی (فردمحوری جمعی) ^۴	رضایت کاربر از هوش مصنوعی	تعامل گفتاری (صوتی) کاربران با ماشین‌ها	امکان ارتباط احساسی رایانه‌ها به سیگنال‌های الکتریکی مغز انسان
اتصال مطالب به یکدیگر ^۵	هم‌نشی ^۶	الگوریتم معنایی	نقش آفرینی موثر داده‌های حجیم و هوش مصنوعی	اینترنت غیرمتمرکز (به این معنی که واسطه‌ها یا دولت‌ها نمی‌توانند داده‌های کاربر را ذخیره یا کنترل کنند).

جدول ۲. نسل‌های مختلف وب

نسل	ویژگی بارز
وب ۱	وب فقط خواندنی
وب ۲	وب خواندن و نوشتن
وب ۳	وب خواندن، نوشتن، اجرا کردن
وب ۴	وب یادگیرنده
وب ۵	شبکه‌های مختلف مرکب از عناصر مجازی و غیر مجازی

^۱ Virtual reality

^۲ Augmented reality

^۳ Directories (taxonomy)

^۴ Tagging (folksonomy)

^۵ Stickiness

^۶ Syndication



نسل‌های مختلف وب و تحول مفهوم قدرت

بی‌هیچ تردیدی قدرت اساسی‌ترین مفهوم سیاست است. منابع قدرت در دنیای امروز - همچون گفتمان، ایدئولوژی، سلطه سیاسی، چارچوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی ارزش‌ها و منافع فردی و اجتماعی - چنان‌که برخی متفکران اولیه قدرت بررسی کرده‌اند، در تعامل ما با فضای مجازی و کنشگری در شبکه‌های اجتماعی مجازی، دستخوش تغییر و تحول شده‌اند.

وب صرفاً یک مفهوم فناورانه نیست. تعاملات اجتماعی و انتقال قدرت که نسل‌های مختلف وب سبب آن می‌شود واقعی هستند. از این‌رو جهان اینترنتی جدیدی که نسل‌های مختلف وب می‌سازند باید در قالب یک شکل از جهان واقعی در نظر گرفته شود. محبوبیت و رشد رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر وب ۲ در سراسر جهان، آنها را تبدیل به یک بستر مهم برای انتشار افکار عمومی، اخبار و اطلاعات، برندهای شرکت‌های تجاری بزرگ، تجارت و بازاریابی و توسعه و تعامل اجتماعی کرده است. هم‌چنانکه فضای مجازی تبدیل به بخش جدایی‌ناپذیرتری از زندگی روزمره ما می‌شوند، قابلیت آنها برای تأثیرگذاری بر مهندسی مجدد اجتماعی، تعامل شبکه‌ای و بازسازی سیاسی نیز قدرتمندتر می‌شود (Chinascope, 2012).

قبل از وب ۲ و در وب ۱، مردم به وب‌سایت‌های آماری برای اطلاعاتی دسترسی داشتند که محتوای آنها توسط نخبگان تکنولوژیکی دارای بودجه و تخصص برای تولید این سایت‌ها کنترل می‌شدند. ولی در نسل‌های مختلف وب، افراد بدون هیچ‌گونه محدودیتی قادر به ساخت پروفایل‌ها و وبلاگ‌ها بر روی وب‌سایت‌ها هستند و به جریان اطلاعات در یک مقیاس وسیع کمک می‌کنند. آنها از این ابزارها استفاده می‌کنند تا بر تولید و گسترش سریع‌تر اطلاعات تأثیر بگذارند. چون وب یک پدیده جهانی است، از خارج از ساختار مسلطی که در آن فعالیت می‌کنند اطلاعات کسب کنند و این امر می‌تواند آنها را به پرسش درباره این ساختار هدایت کند.

اگرچه که نسل‌های مختلف و جدید وب یک پدیده نسبتاً جدید هستند، که حدوداً در سال ۲۰۰۴ در نتیجه پیشرفت‌های فناورانه پدیدار شد، ولی وب ۲ به‌جای اینکه مستقیماً با دیگر انقلاب‌های ارتباطی پیوند داشته باشد، نقش افراد را تقویت کرد، به صورتی که درک ما از کنشگری و قدرت را متحول کرد. نسل‌های جدید وب نیز به طور قابل توجهی متمایز از دیگر انقلاب‌های ارتباطی هستند و به مردم ابزارهایی می‌دهند که خودشان اطلاعات را در مقیاس وسیع تولید کرده و به اشتراک بگذارند (Atari, Stewart-Weeks, and McCalla, 2011). هریک از انقلاب‌های ارتباطی، همان‌طور که فنگ توصیف می‌کند، هر بار به‌طور آسان‌تری اطلاعات را در اختیار افراد قرار می‌دهند (Fang, 1997: xvi). آنها به افراد اجازه می‌دهد تا از طریق دستیابی به اطلاعاتی که خارج از ساختار مسلط تولید می‌شوند و همچنین از طریق تولید اطلاعاتی که ساختاری که



آن‌ها در آن عمل می‌کنند را مستقیماً به چالش می‌کشد، کنترل‌های ساختاری را با مشکل مواجه کنند. کنترل نسل‌های جدید وب بسیار مشکل‌تر از سایر رسانه‌ها و دیگر اشکال ارتباطی است (Chinascope, 2012). فضای مجازی، رسانه‌های اجتماعی و نسل‌های جدید وب در حال تغییر شکل دادن دستور کار سیاسی هستند. در دوره پیش از وب ۲ آن‌ها سیستم سیاسی جهانی غالباً بر پایه دولت مداخله‌گر بود. تعداد کمی از افراد در سیاست و سیاست‌گذاری مشارکت داشتند. در دسترس بودن گسترده رسانه‌های اجتماعی برای نسل جوانان و فعالان اجتماعی فناوری جدیدی را فراهم آورده است تا نظرات خود را به‌طور مستقیم ابراز کنند و در سیاست شرکت کنند. از این‌رو جریان اصلی محیط سیاسی سنتی کاملاً در حال تغییر است. اولین رویداد جهانی که در آن رسانه‌های اجتماعی دستور کار سیاسی را تغییر شکل دادند در ۱۷ ژانویه ۲۰۰۱ اتفاق افتاد که در آن فیلپینی‌ها از طریق اس/ام/اس برای اعتراض فراخوان دادند. یک عبارت کوتاه ۱۶ حرفی به معنی به «ایی دی اس آ بیاید و سیاه بپوشید» که به‌طور گسترده‌ای بازنشر داده شد. در نتیجه بیش از صد میلیون نفر جمع شدند. این گردهمایی تا ۲۰ ژانویه ادامه داشت تا اینکه رئیس‌جمهور استر/اد/ کناره‌گیری کرد. مردم کناره‌گیری رئیس‌جمهور را به «نسل اس ام اس» نسبت دادند (Chinascope, 2012).

طی انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده در سال ۲۰۰۸، تیم اوباما به‌طور موفقیت‌آمیزی از فیس‌بوک، توییتر و دیگر رسانه‌های اجتماعی استفاده کرد تا جوانان را برانگیزد که مقدار کمی کمک مالی اهدا کرده و رأی دهند. در نتیجه، اوباما کسی بود که بیشترین بهره را از فضای مجازی برد (Chinascope, 2012).

نسل‌های جدید وب «تجمع آزاد راه، البته در یک مفهوم مجازی» آسان می‌کند. مردم می‌توانند به اجتماعاتی با علایق مشترک بپیوندند. در اوایل سال ۲۰۱۱، جنبش‌های «بیداری اسلامی» که در بردارنده اعتراضات و حتی جنگ‌هایی در تونس، مصر، لیبی، یمن، سوریه، بحرین، و دیگر کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا بود، سر برآوردند. در این کشورها از برگزاری جلسات سیاسی احزاب مخالف جلوگیری به عمل می‌آید. از این‌رو، بستری فراهم شد تا شهروندان اطلاعات را ایجاد کرده، پروراندند و منتشر کنند (Hague and Loader, 2000: 554). هیچ رهبری آشکاری در این جنبش‌های اساساً مردمی وجود نداشت. آن‌ها از شعارها و تاکتیک‌های مشابهی استفاده می‌کردند که شهروندان عرب در دیگر کشورها استفاده می‌کنند و از موفقیت‌های جنبش‌های انقلابی در کشورهای عربی دیگر یاد می‌گیرند (Rogan, 2011). رژیم بن علی که برای ۲۳ سال در تونس بر سر قدرت بود، رژیم مبارک که برای مدت ۳۰ سال در مصر بر سر قدرت بود و رژیم قذافی که برای مدت ۴۰ سال در لیبی بر سر قدرت بود، همگی سرنگون شدند. بسیاری از دیگر کشورها هنوز در ناآرامی سیاسی هستند. اکثر آن‌هایی که در شورش‌ها شرکت کردند از کاربران رسانه‌های اجتماعی بودند. در پائیز ۲۰۱۱، جنبش دموکراتیکی به نام «اشغال وال استریت» در نیویورک شروع شد و بیش از دو ماه طول کشید. این جنبش به بسیاری شهرهای دیگر در غرب گسترش یافت. تقریباً همه شرکت‌کنندگان در شورش از کاربران فعال فیس‌بوک و توییتر بودند. این امر دولت‌های ایالات متحده، بریتانیا و کشورهای دیگر را وادار کرد که اعلام کنند



که مجبورند به منظور حفظ ثبات اجتماعی اینترنت را بسته و سیگنال‌های تلفن همراه را قطع کنند. همراه با رسانه‌های اجتماعی، ساخت و استفاده از اطلاعات به‌طور شخصی درباره مصالح عمومی اکنون یک «ریز قدرت» بی‌سابقه و قدرتمند است (Chinascope, 2012).

به‌طور خلاصه، سیاسی شدن فضای مجازی به‌طور روزافزونی در سراسر جهان در حال آشکار شدن است. رسانه‌های اجتماعی مردم را تشویق می‌کنند تا در سیاست شرکت کنند و از طریق قادر ساختن مردم به استفاده از اینترنت برای پرس‌وجو درباره اقدامات دولت و نظارت بر دولت، شفافیت سیاسی و بهبود اجتماعی را ترویج می‌کنند. (Ibid).

چالش نسل‌های مختلف وب بر مفهوم سنتی قدرت

مفهوم قدرت در دوره سنتی خود با تکیه بر عناصر «ملی» تعریف می‌شد و میزان قدرت کشورها را برحسب عواملی چون، جمعیت، سرزمین، توان اقتصادی، نیروی نظامی و قدرت دریایی محاسبه می‌کردند. توجه بیش از اندازه این برداشت بر نیروی نظامی، عوامل عینی و کمی قدرت سبب شد تا مطالعه قدرت در نظریه‌های سنتی و حتی در برخی مطالعات معاصر به‌عنوان مطالعه توانایی برای شروع جنگ تعریف بشود. این درک بر اساس آنچه بیان شد و در شکل یک هم آمده است؛ در برداشت سنتی از قدرت، صرفاً بر قدرت سخت به معنای توان اجبار با توسل به اقدامات، ابزارها و تصمیمات آشکار و مستقیم تأکید می‌شود.



شکل ۱. مؤلفه‌های قدرت سنتی

از نظر بسیاری از واقع‌گرایان، تمنای قدرت ریشه در سرشت بشر دارد. مورگنتا اذعان داشت که با توجه به رقابت بر سر ارزش‌های کمیاب در شرایط نبود هیچ داوری، کشمکش بر سر قدرت میان رقبا گریزناپذیر خواهد بود و در نتیجه می‌توان کشمکش بر سر قدرت را بدون استناد به پلید بودن فطرت انسان‌ها توضیح داد. او



قدرت طلبی انسان را نیرویی اساسی تر از شرایط تصادفی برای وقوع کشمکش بر سر قدرت می داند (Morgenthau, 1964: 192 به نقل از والتز، ۱۳۹۳). این استدلالی وفادارانه به هابز است که رقابت، تردید و افتخار جویی را سه علت منازعه می دانست. رقابت به جنگ بر سر دستاوردها می انجامد. چون برخی افراد گرسنه قدرت اند دیگران هم باید اشتهای خود را پرورش دهند (والتز، ۱۳۹۳). مورگنتا هم مانند هابز معتقد است حتی اگر قدرت فراوانی داشته باشیم و از قدرت خود مطمئن باشیم باز قدرت بیشتری می خواهیم. همان که مورگنتا می گوید:

چون تمنای دستیابی به حداکثر قدرت، تمنایی عام و همه گیر است همه کشورها باید همواره از این بترسند که محاسبات نادرست خودشان و افزایش قدرت دیگر کشورها ممکن است موجب فرودست قرار گرفتن خودشان شود و این چیزی است که باید به هر قیمتی از آن پرهیز کرد (Morgenthau, 1972: 208 به نقل از والتز، ۱۳۹۳).

دل مشغولی هابز و مورگنتا به ویژگی های انسان با توجه به اهدافی که آن دو در سر داشتند قابل درک است. هر دوی آن ها علاقه مند شناخت دولت بودند. هابز جویای منطقی برای پیدایش دولت بود و مورگنتا جویای تبیینی برای چگونگی رفتار بین المللی آن.

یکی از تعاریف مشهور در مورد قدرت که با برداشت سنتی تقارن دارد مربوط به رابرت دال است. از نظر وی، قدرت عبارت است از اینکه بازیگر «الف» باعث شود که بازیگر «ب» کاری انجام دهد که در غیر این صورت انجام نمی داد. این تعریف، مبتنی بر بعد اجبار و عوامل مادی همچون قدرت نظامی اهمیت زیادی می دهد. این اغراق و توجه زیاد به نیروی نظامی، در برداشت از قدرت نیز تأثیر گذاشته و مطالعه قدرت در نظریه سنتی و حتی در برخی مطالعات معاصر، به عنوان مطالعه توانایی برای شروع جنگ تعریف شده است. این درک محدود از قدرت، موجب شده تا دیگر ابعاد آن نادیده گرفته شده یا به آن اهمیت کمتری داده شود (Baldwin, 2003).

چنانچه بیان شد در برداشت سنتی و واقع گرایانه، قدرت مفهوم تک بعدی فرض و بیشتر بر قدرت اجباری و مادی تأکید می شد. اما با توجه به تحولات بسیاری که در سال های اخیر شاهد آن بودیم دیگر این درک مضیق از قدرت، توان تبیینی ضعیفی برای تحولات جدید دارد. لذا باید به دیگر وجوه مفهومی قدرت نیز توجه شود.

تحول مفهوم قدرت در عصر وب

اما همان طور که ذکر شد مفهوم قدرت دائماً مبتنی بر واقعیات تغییر می کند و یکی از عناصر مؤثر بر این تغییر تحولات فناورانه است. در عصر جدید انقلاب فناوری اطلاعات موجب تحول در مفهوم قدرت شده است. این تحول فناورانه موجب شده است تا عصر جدید مبتنی بر فناوری ارتباطی را عصر اطلاعات بنامند. (نای، ۱۳۹۲: ۱۳).



قدرت امروزه در چارچوب‌هایی جدید پا به عرصه رقابت گذاشته و از روش‌ها، ابزار، اهداف و تکنیک‌های متعارض با یکدیگر بهره می‌برد. کاستلز در این باره در مقاله خود با عنوان «ارتباطات، قدرت و پاد قدرت» فرضیه‌هایی جهت شناخت دلایل تحول قدرت در تعامل با کنشگری مطرح ساخته است؛ مؤلفه‌های اصلی این فرضیه‌ها که در زمینه رسانه‌های مبتنی بر وب مصداق‌هایی می‌یابند، (Castells, 2007: 239) عبارت‌اند از:

- نقش برجسته سیاست‌های رسانه‌ای و تعامل آن با بحران مشروعیت سیاسی^۱ در بسیاری از کشورها در سراسر جهان؛
- نقش کلیدی رسانه‌های جمعی جایگزین و سازگار با نیازها^۲ در ساخت فرهنگ؛
- ظهور فرم جدیدی از ارتباطات مرتبط با فرهنگ و فن‌آوری جامعه شبکه‌ای و مبتنی بر شبکه‌های افقی ارتباطی (آنچه که وی نامش را ارتباط جمعی خود انگیز یا به تعبیری خودگزین می‌گذارد)؛
- استفاده از هر دو نوع ارتباطات جمعی (ارتباط جمعی جهت داده شده^۳ و ارتباط جمعی خود انگیز) در برقراری رابطه بین قدرت، در سیاست رسمی^۴، در سیاست‌های ترمرد جوانانه^۵ و در بازنمودهای جدید جنبش‌های اجتماعی^۶.

نکته‌ای که لازم است بدان توجه بیشتری شود این است که در سال‌های اخیر تأثیر فناوری و بخصوص فناوری‌های اینترنت پایه بر مفهوم قدرت، بسیار عمیق و گسترده‌تر شده است و زمینه دگرگونی گسترده‌تر را در مفهوم قدرت فراهم کرده است. در ادامه به بخشی از این تحول مفهومی و نظری پرداخته می‌شود. در ادامه به برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوت از این تحول مفهومی قدرت می‌پردازیم که پیرامون چهار محور مفصل‌بندی می‌شوند؛

- قدرت سخت و قدرت نرم، معطوف به قدرت مجازی
- قدرت در جامعه شبکه‌ای
- تمرکززدایی از قدرت و اهمیت یافتن وجوه گفتمانی قدرت
- اهمیت یافتن پاد قدرت

^۱ . The crisis of political legitimacy
^۲ . segmented, customized mass media
^۳ . one-directional mass communication
^۴ . formal politics
^۵ . insurgent politics
^۶ . new manifestations of social movements



قدرت سخت و قدرت نرم، معطوف به قدرت مجازی

جوزف نای از جمله متفکرین برجسته‌ای محسوب می‌شود که این تحولات و پیامدهای مفهومی و نظری آن را مورد توجه قرار داده است. از دیدگاه او، قدرت در عمومی‌ترین سطح، یعنی توانایی به دست آوردن نتایجی که شخص خواهان آن است (نای، ۱۳۸۷: ۳۸). از این منظر، بدون قدرت، رهبری امکان‌پذیر نیست. افراد برخوردار از قدرت بیشتر در یک رابطه برای ایجاد تغییر یا مقاومت در برابر آن از جایگاه بهتری بهره‌مند هستند. همچنین قدرت به معنی توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به گونه‌ای که موجب اتفاق افتادن آن چیزی که ما می‌خواهیم، باشد. بنابراین، قدرت قابلیت نفوذ در رفتار دیگران برای دستیابی به نتایج دلخواه است که به دو بخش تقسیم می‌شود: نرم (ارزش، فرهنگ، سیاست، نهاد، اولویت جذب مخاطب) و سخت (قدرت نظامی و اقتصادی). به تعبیر نای «پایان جنگ سرد، آغاز جنگ نرم» محسوب می‌شود و فضای مجازی ابزار قدرت نرم و قدرت نرم نیز، مرجع تولید فضای مجازی شده است. بر همین اساس در فضای مجازی وضعیت به نحو پیچیده و شبکه‌ای تعریف می‌شود. جوزف نای در کتاب «آینده قدرت» این استدلال را مطرح می‌کند که در دنیای اطلاعات که مبتنی بر عدم امنیت در فضای مجازی است، توزیع قدرت در قیاس با انتقال قدرت می‌تواند تهدید بزرگ‌تری برای دولت‌ها باشد (نای، ۱۳۹۲: ۱۱۳). نای در مصاحبه با مرکز راهبرد عمومی دانشگاه هاروارد^۱، در این زمینه می‌گوید:

«تعاریف علوم اجتماعی نوین از قدرت رفتاری، بعضاً با عنوان «سه روی قدرت» خلاصه می‌شوند. اولین جنبه یا «روی» قدرت در دهه ۱۹۵۰ توسط رابرت دال طی تحصیل در دانشگاه نیو هاون^۲ تعریف شد. تمرکز او بر روی وادار ساختن افراد برای انجام کاری که در شرایط دیگر آن را انجام نمی‌دهند، امروزه به‌طور وسیعی کاربرد دارد، اگرچه تنها بخشی از رفتار قدرت را شامل می‌شود. در دهه ۱۹۶۰ دو دانشمند علوم سیاسی به نام‌های پیتر باچراچ و مورتون باراتز به این موضوع اشاره کردند که تعریف دال فاقد چیزی است که آن‌ها «روی دوم قدرت» می‌نامیدند؛ و آن همان بُعد تعیین برنامه، یا تنظیم مسائل به نحوی است که مسئله تحمیل و اجبار هرگز مطرح نشود. در دهه ۱۹۷۰، یک جامعه‌شناس به نام استیون لوکس^۳ عنوان کرد که عقاید و باورها نیز در شکل دادن به سلايق دیگران مؤثر هستند و فرد با تعیین خواسته‌های دیگران نیز می‌تواند اعمال قدرت نماید. در سال ۱۹۹۰، من قدرت سخت و نرم را همراه با دامنه‌ای از رفتار اجباری تا انتخابی، از یکدیگر متمایز کردم. رفتار قدرت سخت بر پایه اجبار و پرداخت قرار دارد، اما رفتار قدرت نرم بر اساس تدوین دستور کار و جذب یا ترغیب استوار است. حتی کشورهای بزرگی مانند آمریکا، که منابع عظیمی از قدرت سخت و نرم را در اختیار دارند، خود را در حال تقسیم عرصه با بازیگران جدید و مواجه شدن با مشکلات

^۱ Harvard University, Center for Public Leadership

^۲ New Haven University

^۳ Steven Lukes



بیشتر در کنترل مرزهایشان در حوزه مجازی می‌یابند. فضای مجازی جای فضای جغرافیایی را نخواهد گرفت و حاکمیت دولت را منسوخ نخواهد ساخت، اما پراکندگی قدرت (و ایجاد کنش) در فضای مجازی وجود خواهد داشت و اعمال قدرت در هر یک از این ابعاد را به‌شدت پیچیده خواهد ساخت (Nye, 2011).

جوزف نای همچنین در کتاب «آینده قدرت» این استدلال را مطرح می‌کند که در دنیای اطلاعات که مبتنی بر عدم امنیت در فضای مجازی است، توزیع قدرت در قیاس با انتقال قدرت می‌تواند تهدید بزرگ‌تری برای دولت‌ها باشد (نای، ۱۳۹۲: ۱۱۳). نای در این کتاب به نوع دیگر نگاه کردن به قدرت (یا به‌زعم او قدرت سخت و قدرت نرم) در حوزه مجازی، پرداخته است. جدول ۱، سه وجه قدرت رابطه‌ای را از دیدگاه نای، نشان می‌دهد.

جدول ۳. سه وجه قدرت در فضای مجازی

سه وجه قدرت در حوزه مجازی	مصادیق قدرت
وجه اول؛ «الف»، «ب» را به انجام کاری وادار می‌کند که خود «ب» در شرایط عادی آن را انجام نمی‌داد.	قدرت سخت؛ ممانعت از حملات سرویس، جاسازی بدافزارها، ایجاد اختلال در کنترل نظارتی و جمع‌آوری داده‌ها (SCADA) ^۱ و دستگیری وبلاگ نویسان. قدرت نرم؛ برنامه‌های تبلیغاتی برای تغییر سلیق اصلی هکرها، جذب اعضای سازمان‌های تروریستی.
وجه دوم؛ کنترل دستور کار ^۲ «الف» با کنار گذاشتن «ب» را از انتخاب منع می‌کند.	قدرت سخت؛ فایروال‌ها، فیلترها و فشار بر شرکت‌ها برای کنار گذاشتن برخی عقاید. قدرت نرم؛ کنترل آی. اس. پی ها و موتورهای جستجو، قوانین (ICANN) ^۳ در مورد نام دامنه‌ها و استانداردهای پذیرفته شده در مورد نرم‌افزارها.
وجه سوم؛ «الف»، سلیق «ب» را طوری شکل می‌دهد که برخی از راهبردها، حتی مطرح هم نمی‌شوند.	قدرت سخت؛ تهدید به تنبیه وبلاگ نویسانی که مطالب سانسور شده را منتشر می‌کنند. قدرت نرم؛ اطلاعات برای ایجاد اولویت‌ها (مثلاً تحریک ملی‌گرایی و هکرهای میهن‌پرست ^۴)، به وجود آوردن هنجارهای انزجارآور (مانند هرزه‌نگاری کودکان)

^۱ SCADA (Supervisory Control and Data Acquisition)

^۲ Agenda Control

^۳ ICANN (Internet Corporation for Assigned Names & Numbers)

^۴ patriotic hackers



در مجموع ادبیات موجود در زمینه ارتباط میان قدرت نرم و فضای مجازی و این که چگونه شبکه‌های گوناگون اینترنتی با خدمات متعدد و متنوعی که ارائه می‌دهند، می‌توانند به‌عنوان ابزاری برای قدرت نرم عمل کنند، [در گذشته] بسیار اندک بوده است (عاملی، ۱۳۸۹: ۳۳). اما با فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی، در کانون توجهات جهانی و کاربران اینترنت، حجم انبوهی از محتوا در این زمینه تولید شده است.

قدرت در جامعه شبکه‌ای

همان‌طور که اشاره شد در گذشته سیاستمداران و رهبران، «قدرت» یک کشور در چارچوب مؤلفه‌هایی چون میزان جمعیت، وسعت سرزمین، منابع طبیعی، وضعیت و ظرفیت اقتصاد، ثبات سیاسی، حجم نیروها و سخت‌افزارهای نظامی و نیروی دریایی تعریف می‌کردند. با این وجود در عصر حاضر منابع قدرت عموماً در حال تغییر و تحول‌اند. به‌گونه‌ای که امروز بر جنبه‌های سخت قدرت به‌عنوان منبع، تأکید کمتری صورت می‌گیرد. در این راستاست که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی مؤثر بر رشد اقتصادی اهمیت بیشتری یافته‌اند و درعین حال از اهمیت جغرافیا، جمعیت و مواد خام کاسته شده است. (شارپ، ۱۳۸۹: ۶۴). از سوی دیگر در این تغییرات مبتنی بر انقلاب اطلاعات و ارتباطات مؤلفه‌ی جمعیت هم جای خود را به شبکه داده است. شبکه‌ها همان روابط هستند و گونه‌های متفاوت شبکه‌ها، شکل‌های متفاوتی از قدرت را ایجاد می‌کنند. در واقع فناوری‌های مبتنی بر اینترنت، سبب ایجاد جامعه شبکه‌ای جهانی شده است.

کاستلز در سه‌گانه عصر اطلاعات، جامعه شبکه‌ای را از این منظر، جامعه‌ای جدید می‌داند که «روابط تولید»، «روابط قدرت» و «تجربه» به‌گونه‌ای روزافزون حول شبکه شکل می‌گیرد که نشانگر ریخت‌شناسی جدیدی از جامعه است. او در ادامه همان رویکرد پیشین، در تلاش است روابط قدرت در جامعه شبکه‌ای را که پیش‌تر به‌طور کلی از تغییر آن سخن گفته بوده به شیوه دقیق‌تری تبیین کند. او این پرسش را مطرح کرده بود که قدرت در ساختار اجتماعی در کجا قرار دارد؟ و قدرت در این شرایط جامعه شبکه‌ای چیست؟

بستر استدلالی کاستلز همچنان بر مفهوم جامعه شبکه‌ای استوار است. به تعبیر کاستلز جامعه شبکه‌ای جهانی، جامعه‌ای است که ساختارهای اجتماعی آن پیرامون شبکه‌های فعال شده از طریق فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطی و پردازش‌شده دیجیتال و مبتنی بر میکروالکترونیک شکل گرفته است (کاستلز، ۱۳۹۳: ۸۳). در این جامعه، حاکمیت شبکه‌ها بر فعالیت‌ها و مردمی است که نسبت به شبکه‌ها بیرونی و خارجی محسوب می‌شوند و از این نظر شبکه‌های جهانی به زوال شبکه‌های محلی می‌انجامند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۸۶) در جامعه شبکه‌ای جهانی، همه شئون انسانی نظیر ارزش‌ها، هویت، الگوی تقسیم کار، مفهوم زمان و مکان و همچنین قدرت، به شبکه‌ها وابسته شده‌اند و اهداف، ویژگی‌های ساختار و برنامه‌های شبکه است که به تعریف شئون انسانی می‌پردازد. در این جامعه ارزش را سلسله مراتب برنامه‌ریزی شده شبکه از طریق کنشگرانی که درون شبکه



ایفای نقش می‌کنند، تعریف می‌کند. نیروی کار را نیز شبکه‌های جهانی تولید، توزیع و منابع در قالب دو گروه نیروی کار خود برنامه‌ریزی شده و نیروی کار عمومی تعریف می‌کنند.

شبکه‌ها تسلط فضای «مکان‌ها» بر فضای «جریان‌ها» را نوید می‌دهند و شکل فضایی از جامعه ایجاد می‌شود. همچنین فرهنگ جامعه شبکه‌ای به فرهنگ پروتکل‌های ارتباطی تغییر می‌یابد؛ حاکمیت دولت-ملت دگرگون می‌شود؛ دولت شبکه‌ای ظهور می‌کند و سرانجام قدرت در جامعه شبکه‌ای به دست کسانی می‌افتد که ظرفیت‌های ارتباطی میان شبکه‌ها و گروه‌های درون شبکه را کنترل می‌کنند.

تعریف موردنظر کاستلز از قدرت، دو عنصر «ارتباطات» و «معنا» را در درون خود دارد و بر همین اساس تلاش کاستلز در این است که نشان دهد ظرفیت ارتباطی، مهم‌ترین عامل در اختیار کنشگران اجتماعی است که با آن می‌توانند از طریق تغییر در روند معناسازی، تصمیمات دیگر کنشگران را تحت تأثیر قرار دهند. کسانی که کنترل و مدیریت ظرفیت ارتباطی را در جامعه شبکه‌ای جهانی در دست می‌گیرند، بی‌شک صاحبان قدرت در شبکه‌ها هستند. دلیل این امر نیز از نظر کاستلز واضح است: شبکه ساختاری ارتباطی است (کاستلز، ۱۳۹۳: ۷۵) میان گره‌های متعدد در درون یک شبکه یا میان چندین شبکه و این ساختار ارتباطی، در حقیقت شامل الگوهایی از تماس است. پس در صورتی که بتوانید ارتباطات در شبکه را به دست بگیرید، الگوهای تماس را در اختیار دارید و این یعنی **تملک قدرت**. به زبان ساده، قدرت در شبکه‌ها متعلق به کسانی است که ارتباطات و الگوهای تماس میان گره‌های شبکه را مدیریت و کنترل می‌کنند.

کاستلز چهار گروه از این صاحبان قدرت در شبکه‌ها را معرفی می‌کند؛

۱. **قدرت شبکه‌بندی** که منتسب به قدرت کنشگران و سازمان‌های درگیر در شبکه‌هایی است که هسته جامعه شبکه‌ای جهانی را در فراسوی اجتماع‌ها تشکیل داده‌اند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۱۷). این قدرت در اختیار برنامه‌ریزان است و آن‌ها تصمیم می‌گیرند چه چیزی و چه کسی وارد شبکه شود.

۲. **قدرت شبکه** که کاستلز برای توضیح آن از مفهوم‌سازی گروال^۱ استفاده می‌کند. قدرت شبکه، معیارهای شبکه بر سایر اجزای آن و در اینجا، به‌طور مشخص، پروتکل‌های ارتباطی برای پذیرفته شدن در شبکه هستند که قوانین جذب یا برخورداری را تعیین می‌کنند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۱۹). به زبان ساده کسی که بخواهد در شبکه‌ای فعال شود، باید استانداردهای ارتباطی و مدیریتی آن را تبعیت کند و این قدرت شبکه است.

۳. **قدرت شبکه‌ای** که تسلط برخی گره‌ها بر برخی گره‌های دیگر در درون شبکه است. این قدرت مدیریتی و قدرت تصمیم‌گیری سردبیرانی است که در سازمان فعالیت می‌کنند یا مالکیت شبکه را در اختیار دارند.

۴. **قدرت شبکه‌سازی** عبارت است از توانایی برنامه‌ریزی یا راه‌اندازی یک شبکه توسط مالکان یا کنترل‌کنندگان که می‌تواند دولت، بنگاه‌های تجاری یا غول‌های چندرسانه‌ای باشد. این مهم‌ترین نوع قدرت است که کاستلز به آن توجه دارد. کاستلز دو گروه برنامه‌ریزان و سوییچرها را مهم‌ترین دارندگان قدرت

^۱ Gerwall



شبکه‌سازی می‌داند. برنامه‌ریزان توانایی ساخت شبکه و برنامه‌ریزی مجدد شبکه‌ها را دارند تا امکان تحقق اهداف شبکه‌ها فراهم آید و سوییچرها توانایی اتصال و امکان همکاری مشترک میان چند شبکه را ایجاد می‌کنند.

برنامه‌ریزان و سوییچرها دارندگان قدرت اصلی در جامعه شبکه‌ای کاستلز هستند. او می‌نویسد (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۲۷): «برنامه‌ریزان و سوییچرها کنشگران و شبکه‌هایی از کنشگران هستند که به لحاظ جایگاهی که در ساخت اجتماعی و نگهداری قدرت شبکه‌ای دارند شکل برتری از قدرت را در جامعه شبکه‌ای در اختیار دارند». این دو گروه از چنان قدرتی برخوردارند که دیگران را وادار می‌سازند خودشان را با اهداف سازگار با شبکه‌های آن‌ها تطبیق دهند، کاستلز برای توضیح مکانیسم عمل این گروه‌های اصلی قدرت به سراغ تبیین ساختار ارتباطات در جامعه شبکه‌ای می‌رود و سپس با استناد به طیف وسیعی از مطالعات تجربی و مثال‌هایی فراوان تلاش می‌کند مدل نظری خود را با واقعیات اجتماعی تطبیق دهد. برداشت کاستلز از ارتباطات برای فهم چرایی قدرتمند بودن برنامه‌ریزان و سوییچرها بسیار کلیدی است. او ارتباطات را به معنی به اشتراک گذاشتن معانی از مجرای تبادل اطلاعات می‌داند (کاستلز، ۱۳۹۳: ۱۴۳). در چنین شرایطی، دولت تنها به یک گره (هرچند مهم) از شبکه خاص تبدیل می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۰: ۷۰).

تمرکززدایی از قدرت و اهمیت یافتن وجوه گفتمانی قدرت

اینترنت (و به تبع آن رسانه‌های اجتماعی مبتنی بر وب ۲) به‌عنوان یک رسانه پست‌مدرن، تداعی‌گر مرگ فاصله‌ها در جغرافیای ذهنی است. انسان امروز بر مکان و زمان غلبه یافته است، صدهایی که شنیده نمی‌شدند حالا شنیده می‌شوند و آن تمرکزگرایی شدید در رسانه‌های حاکم سنتی با تمرکززدایی شدیدتری در رسانه‌های دیجیتالی و پست‌مدرن به چالش کشیده شده است.

دریغوس در این باب بیان می‌دارد وقتی وارد فضای مجازی می‌شویم و از خویشتن‌های حیوانی، احساسی، شهودی، مکان‌مند، آسیب‌پذیر می‌گذریم، با این کار آزادی فوق‌العاده‌ای به دست می‌آوریم که پیش از این هرگز در دسترس بشر نبود (دریغوس، ۱۳۸۹: ۱۰). به‌عبارت‌دیگر ویژگی تمرکززدایی قدرت رسانه‌ای که توسط رسانه‌های اجتماعی نمود بیشتری یافته است، این امکان را به غیریت‌ها، گفتمان‌های حاشیه‌نشین و تکثرهای موجود در جامعه می‌دهد که در قالب هویت مجازی به انتشار گزاره‌های گفتمانی خود بپردازند. به طوری که به تعبیر لازارسفلد و مرتن، بسیاری تحت تأثیر همه‌جایی بودن ارتباطات جمعی و قدرت بالقوه آنان، به‌سختی هراسان شده‌اند (رزاقی، ۱۳۸۵: ۱۸۵)؛ هراسی که ناشی از توانایی است که اینترنت و فناوری‌های نوین اینترنت پایه، در اختیار گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌ها قرار می‌دهد تا؛

۱. اطلاعات مناسب را برای گفتمان‌هایشان بی‌درنگ از سراسر جهان به دست آوردند.



۲. اطلاعات بی‌درنگ، بدون واسطه و با ابزارهای رمزگذاری و بر اساس اصول امنیتی به مخاطبان گسترده‌ای در سراسر جهان منتقل کنند.
- بدین ترتیب، نتایج منطقی‌ای که این تمرکززدایی قدرت می‌تواند برای گفتمان مسلط در پی داشته باشد را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود؛
۱. درون اینترنت می‌توان دست به اقدامی زد که قدرت گفتمان مسلط را تضعیف کند یا مخمل نظم شود؛
 ۲. اینترنت می‌تواند حمله به مراجع قدرت را ممکن نماید و بدین‌صورت مطیع یا تابع قدرت مستقر نباشد؛
 ۳. اینترنت می‌تواند از توهین به اکثریت یا ارزش‌های غالب اخلاقی و سیاسی نپرهیزد؛
 ۴. اینترنت می‌تواند سانسور را برای به اجرا درآوردن اصول گفتمان مسلط برنتابد.
- چنین توانایی‌های اینترنت، به‌واسطه ویژگی امکان دستیابی به هویت مجازی و ناشناس تضمین می‌شود. به بیان دقیق‌تر این نوشته‌ها و پیام‌های گفتمان افراد است که درون فضای مجازی مجال حضور پیدا می‌کند. بدین ترتیب، افرادی که در گفتمان‌های مختلف حضور دارند از خصیصه «گمنام بودن» برخوردارند و این گمنامی، به آنان آزادی بیشتری می‌دهد. بنابراین، آزادی برآمده از گمنامی تعاملات اینترنتی می‌تواند به شناخت گفتمان‌های جدید و یا ابعاد ناشناخته و گاه پنهان آن‌ها منتهی شود، بدون آنکه گفتمان مسلط توانایی شناسایی و برخورد با افراد را درون فضای واقعی داشته باشند.
- درنهایت، ویژگی کنش تعاملی فرصتی برابر برای ارتباط با گستره وسیعی از افراد قرار خواهد داد تا به اقناع و اشباع کنندگی افکار عمومی بپردازند (تاجیک، ۱۳۸۵: ۷۱). به‌واسطه چنین مشارکت و کنش تعاملی، گفتمان‌ها درون اینترنت، حتی می‌توانند به‌راحتی میدان نبرد را به وسعت ذهن تمام مخاطبان گسترش دهند (مرادی، ۱۳۸۶: ۴۰۱) و بدین ترتیب افکار عمومی را به سمت خود جلب نمایند. پراکندگی قدرت در دامنه مجازی ثمره سهولت گذار از موانع ورود به آن است (نای، ۱۳۹۲: ۱۷۱). به تعبیری «اشاعه اطلاعات اینک در همان حد اشاعه تسلیحات عامل قطبی‌گری است.» (Haass, 2008: 47).
- بنابراین با لحاظ نقش رایانه‌ها و فناوری‌های اینترنت پایه در کاستن از هزینه‌ها، دولت‌ها بیش از تمرکززدایی به تمرکززدایی راه برده‌اند. پراکندگی قدرت مهار اطلاعات، امروزه بسیار بیش‌تر از چند دهه پیش است. بنابراین در دنیای اطلاعات که مبتنی بر عدم امنیت در فضای مجازی است، توزیع قدرت در قیاس با انتقال قدرت می‌تواند تهدید بزرگ‌تری برای دولت‌ها باشد (نای، ۱۳۹۲: ۱۶۳-۱۵۷).

اهمیت یافتن یاد قدرت

مانوئل کاستلز یک تحلیل بین‌رشته‌ای از جهان پیچیده رسانه‌ای شده امروز به دست می‌دهد. او بر این باور است که فناوری اطلاعات توان آدمی را در غلبه کردن بر محدودیت‌های مکانی و زمانی بالا می‌برد. در تحلیل



مکان، کاستلز اعتقاد دارد که ما از فضاهای قدیمی ایستای یکنواخت با هویت ثابت و کار ویژه‌ی تک‌بعدی خارج شده و به فضای جریان‌ها وارد شده‌ایم (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۸۳-۴۷۵).

کاستلز با پرداختن به مفهوم هویت درباره آن سخن می‌گوید. کاستلز میان سه گونه هویت تفاوت قائل می‌شود: هویت مشروعیت بخش، هویت مقاومت و هویت برنامه دار. او در تعریف «هویت مقاومت» می‌گوید: «این هویت به دست کنش‌گرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطبق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود یا داغ ننگ بر آن زده می‌شود. از همین روی همان‌طور که کالهن در توضیح خود درباره ظهور خط‌مشی‌های هویتی مطرح ساخته است سنگ‌راهی برای مقاومت و بقا بر مبنای اصول متفاوت یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه ساخته می‌شود» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۵).

نگاه کاستلز به شکل‌گیری فرهنگ‌های مبتنی بر هویت مقاومت متأثر از دیدگاه او درباره مردمی شدن فضای جریان‌هاست که بروز آن‌ها را می‌توان در علوم سیاسی به‌طور خاص جستجو کرد، از این منظر فناوری‌های نوین ارتباطی از طریق امکانات بی‌زمان و بی‌مکانی که در اختیار باورها و عقاید مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قرار می‌دهند، همواره به تقویت جریان‌های مقاومت در برابر جریان قدرت و سلطه کمک کرده است. از منظرهای گوناگونی این فاصله و بهره‌برداری گروه‌های اقلیت از فناوری برای پوشاندن فاصله ایجاد شده مورد بررسی قرار گرفته است. کاستلز با اشاره به برساخت هویت مقاومت در جامعه شبکه‌ای که هم ناشی از ارتباطات است و هم متکی به آن، از مفهوم جدیدی به نام ارتباط جمعی خود انگیز^۱ یاد می‌کند، مفهومی که ناشی از توسعه شبکه‌های افقی و تعاملی در ارتباطات است. ارتباطاتی که به لحاظ اجتماعی در پیوند با جریان‌های مقاومت است. تمایل روزافزون رسانه‌های مشارکتی به صورت‌های اینترنتی ارتباط در واقع بیانگر پیدایش شکل جدیدی از ارتباطات اجتماعی شده است. ارتباط جمعی خود‌انگیز نوعی «ارتباطات جمعی» است که با استفاده از شبکه‌های رایانه به رایانه و ارتباط اینترنتی پیام خود را به انبوهی از مخاطبان بالقوه می‌رساند. این نوع جدید از ارتباطات همچنین «چند-مدلی» است زیرا محتوای آن دیجیتالی است و به همین دلیل می‌توان آن را به هر صورت دلخواه درآورد و از طریق شبکه‌های بی‌سیم پخش کرد. علاوه بر دو ویژگی بالا ارتباطات خودگزین در محتوا خود-تولید^۲، در پخش خود-گردان^۳ و در دریافت توسط جمع خود-انتخاب^۴ می‌شود (Castells, 2007).

در اینجا است که کاستلز به یاد قدرت یا جریان مقاومت می‌پردازد، چیزی که در هر جامعه‌ای برای به نقد کشیدن روابط نهادینه شده قدرت شکل می‌گیرد. به باور کاستلز ارتباطات خودگزین منجر به پیدایش رسانه‌ای خارق‌العاده برای جنبش‌های اجتماعی و جریان‌های اعتراضی می‌شوند تا به واسطه آن به استقلال دست یابند و در مقابل نهادهای جامعه با روش‌های خود بایستند (Ibid).

^۱ Mass Self- Communication

^۲ Self-Generated

^۳ Self-Directed

^۴ Self- Selected



کاستلز همچنین در کتاب «قدرت ارتباطات» بر نقش شبکه‌های ارتباطی در قدرت سازی در جامعه و به ویژه قدرت سیاسی تأکید می‌کند. او قدرت را این طور تعریف کرده است: «قدرت، ظرفیتی رابطه‌ای است که یک کنشگر اجتماعی را قادر می‌سازد تا به گونه‌ای ناهم‌سنگ^۱ و از راه‌هایی که خواسته‌ها، منافع و ارزش‌های کنشگران صاحب قدرت را برآورده سازد، بر تصمیمات سایر بازیگران یا کنشگران اجتماعی تأثیر گذارد. قدرت، یا با اجبار و تحمیل (و یا امکان بروز آن) معنا می‌یابد و یا از طریق مفهوم‌سازی بر مبنای گفتمان‌هایی که کنشگران اجتماعی عملکردشان را با توجه به آن گفتمان‌ها هدایت می‌کنند. روابط قدرت بر مبنای حاکمیت شکل می‌گیرد و این همان قدرتی است که درون نهادهای جامعه تعبیه شده است. ظرفیت رابطه‌ای قدرت، مشروط به ظرفیت ساختاری حاکمیت است اما بر اساس آن تعیین نمی‌شود. نهادهایی می‌توانند در روابط قدرت سهیم شوند که بر حاکمیتی متکی باشند که برای این نهادها پیرامون حوزه‌های موضوعی‌شان به وجود آمده است» (کاستلز، ۱۳۹۳: ۵۳). بر این اساس قدرت یک ویژگی افراد یا گروه‌ها نیست، بلکه یک رابطه است. ادعای اصلی کاستلز این است که (۱) شبکه‌های ارتباطی، نقش اصلی را در قدرت سازی در هر شبکه‌ای، از جمله شبکه‌های شرکتی، مالی، صنایع فرهنگی، فناوری یا شبکه‌های قدرت، دارند و (۲) برنامه‌ریزی تک شبکه‌ها و انتقال داده‌ها میان شبکه‌های گوناگون، از منابع اصلی قدرت محسوب می‌شوند (Castells, 2009: 429).

نکته‌ای که در اینجا برجسته می‌شود این است که شبکه‌های پاد قدرت که کاستلز از آن یاد می‌کند، امروزه حول همین فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و نسل‌های جدید وب شکل گرفته‌اند و ایجاد استقلال ارتباطی که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی آن را تسهیل کرده‌اند، رابطه مستقیم با ایجاد استقلال اجتماعی و سیاسی پیدا می‌کند که خود عاملی کلیدی در تسهیل تغییرات اجتماعی است و ابتکار عمل بیشتری به سوژه‌های انسانی می‌دهد تا ساختارهای مسلط پیرامون خود را به چالش بکشند.

جمع‌بندی و ارائه یافته‌های پژوهش

بی‌تردید قدرت یکی از اساسی‌ترین مفاهیم علوم انسانی است. در عین حال به رغم تاریخ طولانی تحلیل مفهوم قدرت، شاهد فقدان اجماع محققین در خصوص طبیعت و نقش آن هستیم. در گذشته، محققین، قدرت را بیشتر در شکل‌های اجباری و یا ساختاری مطالعه و بررسی می‌کردند و به دیگر وجوه آن توجه نداشتند. قدرت بر ساخته‌ای اجتماعی است و از این رو، با تغییر بستر اجتماعی جهان، برداشت از آن و شکل آن نیز تغییر می‌کند. با تغییر عرصه جهانی در نتیجه توسعه فناوری‌های نوین ارتباطی، اشکال، ابعاد، دامنه و مکانیسم‌های

^۱ asymmetrically



اعمال قدرت بسیار متنوع و پیچیده‌تر شده است. این واژه دیگر صرفاً بر مبنای سرزمین و عوامل مادی تعریف نمی‌شود، بلکه بر عوامل غیر مادی مثل هنجارها، گفتمان‌ها، دانش و اطلاعات نیز متکی است.

در یک تحلیل کلی می‌توان ادعا کرد که دو گونه جابجایی قدرت در قرن حاضر وجود دارد. نخست جابه‌جایی قدرت از دولتی به دولت دیگر و دیگری پراکندگی قدرت است. منظور از پراکندگی قدرت این است که قدرت از انحصار دولت‌ها خارج شده است. این پراکندگی حاصل انقلاب ارتباطی است. معضل حکومت‌ها در عصر کنونی اطلاعات کثرت رویدادهایی است که حتی قدرتمندترین دولت‌ها نیز بر آن اشرافی ندارند. برخی معتقدند جوامعی مجازی در اینترنت شکل می‌گیرند و با گذار از حدود ارضی، الگوهای حکمرانی خاص خود را ایجاد می‌کنند. کشورها و دولت‌ها محوریت مرکزی خود را در حیات انسان‌ها از دست می‌دهند.

عنصر جدید در عصر اطلاعات، خود اطلاعات است. در واقع امروز کنترل اطلاعات جاری در شبکه‌ها یک منبع مهم قدرت به حساب می‌آید. در واقع دانش قدرت است و منبع مهمی برای اعمال قدرت به شمار می‌روند. از این رو مهم است که بدانیم امروزه فناوری، فرایندهای اجتماعی و سیاسی را تغییر داده و موجب سرعت و دگرگونی در ماهیت تعامل و ارتباطات و شتاب تغییرات نهادی در عرصه بین‌المللی در ابعاد، اقتصادی، سیاسی فرهنگی و اجتماعی شده است.

اگر امروز به منابع تولید قدرت در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نگاهی بیاندازیم، خواهیم دید که در عصر اطلاعات، دولت‌ها و بازیگران غیردولتی که بر اطلاعات سوار باشند و بتوانند آن را به کنش تبدیل کنند، پیروز میدان‌ها خواهند بود. در این روند، طی دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از محقق شدن پیشرفت‌های نرم‌افزاری و رهیافت‌های نوین در عرصه تعامل و تبادل اطلاعات، امکان توزیع قدرت تا حد زیادی برای جریان‌هایی که در پی سودای قدرتمند شدن بوده‌اند، فراهم شده است.

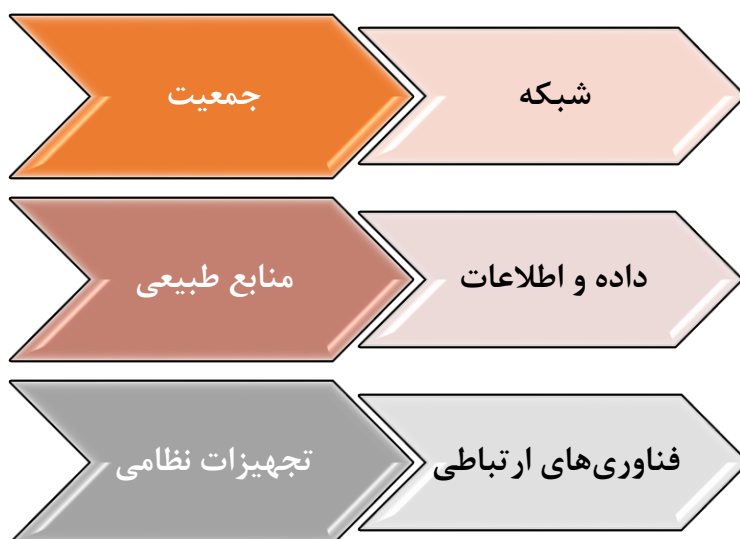
در نهایت تحول مفهوم قدرت در عصر وب را از چهار منظر بررسی کردیم که شامل موارد ذیل می‌شود؛

- ۱) قدرت سخت و قدرت نرم، معطوف به قدرت مجازی
- ۲) قدرت در جامعه شبکه‌ای
- ۳) تمرکززدایی از قدرت و اهمیت یافتن وجوه گفتمانی قدرت
- ۴) اهمیت یافتن پاد قدرت



یافته‌های پژوهش؛ اعمال قدرت مبتنی بر مؤلفه‌های جدید قدرت

۱. تحول عناصر قدرت یا جایگزین‌های آن را می‌توان این چنین بیان کرد که قدرت ناشی از مؤلفه‌های سنتی چون اهمیت جمعیت و کثرت و فراوانی به شبکه و قدرت ناشی از آن تبدیل شده است و بجای وسعت سرزمینی فناوری‌های ارتباطی نقش عنصر و عامل قدرت ساز را پیدا کرده و داده اطلاعات جایگزین اهمیت منابع طبیعی در تولید قدرت شده است و جایگاه فناوری بیشتر از قدرت سخت نمود پیدا کرده است.



شکل ۲. تحول عناصر قدرت (خجسته باقرزاده، ۱۴۰۰)

۲. این تحولات موجب دگرگونی جایگاه دولت و تضعیف حاکمیت دولت ملی شده و جوامع امروزی را با بحران پیچیده حاکمیت رودررو کرده است تا آنجا که جهان به سمت طغیان‌هایی علیه نظم مستقر پیش می‌رود.

جدول ۴. تفاوت‌های قدرت سنتی و قدرت شبکه‌ای

قدرت در عصر شبکه	قدرت سنتی
تولیدکنندگان محتوا و سازندگان ارتباطات و کنترل‌کنندگان آنها اعمال کننده قدرت	دولت بزرگترین اعمال کننده قدرت
شبکه‌های فرازمان و فرامکان محدوده اعمال قدرت	جغرافیا محدوده اعمال قدرت
کنشگر شبکه مخاطب اعمال قدرت	جوامع ملی مخاطب اعمال قدرت



۳. در حاکمیت دولت‌ها، جوامع ملی مخاطب اعمال قدرت بودند؛ اما در عصر شبکه، شهروندان و آحاد جامعه با بهره‌گیری از اینترنت تبدیل به کنشگران شبکه می‌شوند. شبکه‌ای که محدود به فضا و زمان خاصی نیست. شبکه‌ای فرامکان و فرازمان است و در آن دولت‌ها و قدرت‌های سنتی هم تبدیل به یک کنشگر شبکه می‌شوند آن‌ها هم گره‌ای از یک شبکه هستند که اگر قوی شوند به صورت عادی می‌توانند نقش یک سر شبکه قدرتمند را ایفا کنند. به همین دلیل در این جامعه شبکه‌ای قدرت لزوماً در اختیار دولت‌ها نیست. بلکه قدرت در دست کسی است که شبکه را در اختیار دارد، شبکه‌ای که از ترکیب روابط و محتوا به وجود می‌آید و کنترل‌کنندگان این دو هستند که توانایی اداره این جامعه جدید دارند.



شکل ۳. عناصر قدرت در عصر شبکه

۴. در سطح نظری این تغییر پیامدهایی برای رشته سیاست و حکمرانی دارد. این دگرگونی‌ها و تحولات، نظریه‌های سنتی را که از یک رویکرد تقلیل‌گرایانه و مادی‌گرا حمایت می‌کنند، مورد چالش قرار داده است. از این رهگذر با توجه به تحولات معاصر، نیاز به نظریه‌های تأمل‌گرا و نیاز به مشاهده جهان از طریق یک لنز انتقادی و معنا‌گرا بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

۵. این نوع مفهوم سازی از قدرت، مزایای متعددی برای محققین دارد و آنها را از محدودیت‌های مباحث سنتی در خصوص قدرت رها می‌سازد تا به اشکال مختلف قدرت توجه نمایند. قدرت ورزی از این منظر، به نوعی بازی با حاصل جمع مثبت مبدل می‌شود که در آن نمی‌توان در اندیشه اعمال قدرت «بر» دیگران بود. برای تحقق اهداف پیش رو می‌بایست به اعمال قدرت «با» دیگران اندیشید.



یادداشت‌ها و منابع

فارسی

- بصیریان جهرمی، حسین (۱۳۹۳). «سیاست و مصرف رسانه‌های اجتماعی مجازی در ایران: چالش‌ها، الگوها و تبیین یک مدل پیشنهادی». (رساله دکتری علوم ارتباطات). دانشگاه علامه طباطبایی. تهران. ایران.
- بنت، دابلیو لنس و انتمن، رابرت (۱۳۸۹). سیاست رسانه‌ای شده: ارتباطات در آینده دموکراسی. (مسعود آریایی‌نیا، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- پاپ، دانیل و دیگران (۱۳۸۵). گزیده‌ای از عصر اطلاعات: الزامات امنیت ملی در عصر اطلاعات. (رضا نخجوانی و علی‌علی‌آبادی، مترجم). تهران: مطالعات راهبردی.
- خالقی، احمد (۱۳۸۲). قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی - سیاسی معاصر. تهران: گام نو.
- خجسته باقرزاده، حسن و خجسته باقرزاده، کمیل (۱۴۰۰). تحول مؤلفه‌های قدرت در عصر شبکه. مطالعات رسانه‌های نوین، ۷(۲۸).
- دریفوس، هیوبرت ال (۱۳۸۹). درباره اینترنت. (علی فارسی‌نژاد، مترجم). چاپ اول. تهران: ساقی.
- رزاقی، افشین (۱۳۸۵). نظریه‌های ارتباطات اجتماعی. چاپ دوم. تهران: آسیم.
- روزنا. جیمز (۱۳۹۰). انقلاب اطلاعات. امنیت و فناوری‌های جدید. (علیرضا طیب، مترجم). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۳). آشوب در جهان سیاست. (علیرضا طیب، مترجم). تهران: روزنه.
- سلطانی نژاد، احمد، جمشیدی، محمدحسین و دیگران (۱۳۹۵). «دگرگونی مفهوم قدرت در پرتو فناوری نوین اطلاعاتی - ارتباطی». دو فصلنامه دانش سیاسی. دانش سیاسی، ۱۲(۱). ۷۳-۹۸.
- شیلر، هربرت (۱۳۹۲). ارتباطات و سلطه فرهنگی. (کاظم معتمدنژاد، مترجم). تهران: موسسه نشر شهر.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰). بنیادهای علم سیاست. چاپ هشتم. تهران: نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد. جامعه و فرهنگ. (احد علیقلیان و افشین خاکباز، مترجم). چاپ اول. تهران: طرح نو.



کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). قدرت ارتباطات. (حسین بصیریان جهرمی، مترجم). چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

مرادی، حجت الله (۱۳۸۹). قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل. چاپ دوم. تهران: نشر ساقی.

نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم. (محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، مترجم). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

نای، جوزف (۱۳۹۲). آینده قدرت. (احمد عزیزی، مترجم). تهران: نشر نی.

نبوی، عباس (۱۳۸۸). فلسفه قدرت. تهران: سمت.

والترز، کنت (۱۳۹۳). «اندیشه واقع‌گرایی و نظریه نوواقع‌گرایی». در نو واقع‌گرایی. نظریه انتقادی و مکتب‌برسازی. ویراسته اندرو لینکلتر. (علیرضا طیب، مترجم). تهران: وزارت امور خارجه.

انگلیسی

Almeida, Fernando. (2017). "Concept and Dimensions of Web 4.0." *International Journal of Computers and Technology*. pp 7040-7046. (16)

Atari, S. Stewart-Weeks, M. and McCalla, J. (2011). Web 2.0 in Next-Generation Government and Governance: A Middle East Point of View. from: https://www.cisco.com/c/dam/en_us/about/ac79/docs/ps/Web_2-Mid-East-Governance_IBSG.pdf. (Retrieved: Decembe 2022).

Baldwin, D (2003). "Power and International Relations", in W. Carlsnaes et al. (eds). *Handbook of International Relations*, London: Sage. 2, 273-297.

Barnett, Michael and Duvall, Raymond (2005). "Power in International Politics", *International Organization*: 59(1), 39-75.

Bybit Learn (2022). "Web 5.0: What It Is & Why It Will Be Better Than Web 3.0", from <https://learn.bybit.com/blockchain/what-is-web-5/>. (Retrieved: july 2022)

Castells, M. (2007). "Communication, Power and Counter-power in the Network Society", *International Journal of Communication* : 238-266.

Chinascope.(2012). "Chinese Scholar: World Politics in the Web 2.0 Era". from: <http://chinascope.org/archives/6410/76>. (Retrieved: Decembe 2022).

Fang, I. (1997). *A History of Mass communication: Six Information Revolutions*. Newton: Butterworth-Heinemann.



Getting, Brian. (2007). "DESIGN & DEVELOPMENT".
<https://www.practicalecommerce.com/Basic-Definitions-Web-1-0-Web-2-0-Web-3-0>.
(Retrieved January, 2021)

Haass, R. N. (2008). The age of nonpolarity: what will follow US dominance. *Foreign affairs*, 44-56.

Hague, B. and Loader, B. (2000). Digital Democracy: An Introduction, In: Blaug, R. and Schwarzmantel, J. Democracy: A Reader, Edinburgh: University of Edinburgh.

Kaplan, A. M., & Haenlein, M. (2010). Users of the world, unite! The challenges and opportunities of Social Media. *Business horizons*, 53(1), 59-68.


Morgenthau, Hans J. (1964). *Scientific Man vs. Power Politics*, Chicago: The University of Chicago Press.

Morgenthau, Hans J. (1972). *Politics Among Nations*, New York: Praeger.

Norris, Pippa (2001). *Digital Divide: Civic Engagement, Information Poverty, and the Internet Worldwide (Communication, Society and Politics)*, New York: Cambridge University Press.

O'REILLY, Tim. (2007). "What Is Web 2.0: Design Patterns and Business Models for the Next Generation of Software", *Communications & Strategies*, (1), 17.

Rogan, E. (2011). Chapter One: Regional Overview, In: Soames, N. Morris, T. Abdel-Haq, M. and Docherty, L. *the Arab Spring: Implications for British Policy*, London : Conservative Middle East Council, p.4. from: <http://cmec.org.uk/wp-content/uploads/CMEC-Arab-Spring.pdf>. (Retrieved: December 2022).



گزارش نظری

عصر وب و تأثیر آن بر تحول مفهوم قدرت

تاریخ انتشار: بهمن ۱۴۰۱

شناسه یکتا: ISG-THR-972

